

حدیث (۱) = وقوت جمع وقت می باشد در اکثر روایات به همین نحو آمده است  
 اما در روایات این بجز اوقات ذکر شده است که جمع قلمت وقت می باشد  
 و اگر به نسبت وقوت که جمع کثرت است اظهر می باشد زیرا اوقات  
 نماز به پنج می باشد اما اکثر روایات اکثر یعنی وقوت اعتبار کرده بود  
 علماء توجهات زیادی بر آن ذکر کرده اند و در ذیل ذکر می گردند  
 (۱) هر چند که نمازها هستند اما بنا بر تفرات در صورتی که  
 از استعمال جمع کثرت برای آنها اشکالی ندارد مانند شمس و انوار  
 (۲) چون نمازها در ابتدا و فرقیت بود که جمع کثرت است همین ده نماز  
 ثواب ده نماز را دارند استعمال جمع کثرت اشکالی ندارد  
 (۳) توسعا هر یکی از جمع قلمت و کثرت بر یکدیگر به کار می روند  
 (۴) چون هر نماز دارای سه وقت اختیاری مندرج در قضاء یا به اعتبار  
 بعضی مقب استعمال جمع کثرت اشکالی ندارد

**وقت نماز** در مورد آغاز وقت ظهر هیچ یکی از علماء اختلاف ندارند که  
 وقت ظهر از زوال آفتاب شروع می شود اما درباره اوقوت ظهر علاوه  
 وجود دارد و نزد امام مائت وقت ظهر بر یک قلمت پایان می گردد  
 ولی در میان ظهر و عصر به مقدار خواندن ۴ رکعت وقت مشترک  
 می باشد که در آن وقت نماز ظهر و عصر هر دو جایز می باشد  
 و نزد امام شافعی و اهلباب ثلثا هر وقت ظهر بر یک قلمت پایان  
 می یابد ولی در میان ظهر و عصر مقدار خواندن ۴ رکعت وقت  
 غافل و وجود دارد که اگر نماز ظهر خوانده شود قضاء می گردد و عصر نیز  
 جایز خواهد بود (۳) نزد امام محمد صاحبین و جمهور علماء وقت  
 ظهر بر یک قلمت پایان می یابد و متصل یا آن وقت عصر شروع می شود  
 نه وقت مشترک وجود دارد نه فاصل -



موضوع: حدیث اول اصول امامی (عقود)

(قول مقتضی بی)

- (۴) نزد ~~امام~~ امام اعظم وقت ظهر بر دو مثل تمام می شود و مثل با آن وقت عصر شروع می شود و (۵) نزد اسودیه عصر وقت ظهر بر یک مثل پایان می یابد و بعد از آن تمام یک مثل تا مثل ثانوی وقت ممل می یابد در این وقت نه نماز ظهر ادا می شود و نه نماز عصر و نماز عصر در مورد ایته ای وقت عصر همان اختلاف وجود دارد که در باره وقت ظهر بیان شد اما در باره پایان وقت عصر نیز ۴ قول وجود دارد (۱) نزد (امام شافعی) را امام مالدی وقت عصر بر دو مثل پایان می یابد و بعد از دو مثل وقت قضا شروع می شود و (۲) نزد امام احمد با زرد شدن خورشید وقت عصر به امام میرسد و چند از آن وقت قضا شروع می شود (۳) نزد اصحاب فواصر نزدیک به غروب آفتاب زمانی که مقدار ۱۰ یا یک رکعت یا قریب بآن وقت عصر خاتمه می یابد (۴) نزد اصناف و جمهور فقها و محدثین با غروب خورشید وقت عصر پایان می یابد و
- وقت مغرب در باره آغاز وقت مغرب ۲ قول وجود دارد (۱) نزد امام ابن رباح که وس به کیسه و روضه بهیمن بن مشرق وقت مغرب به طلوع ستارگان شروع می شود (عصر ۲) نزد ائمه اربعه و جمهور وقت مغرب به غروب خورشید شروع می شود و در باره پایان وقت مغرب ۳ قول وجود دارد (۱) طبق مسلات امام مالت در و این از شافعی بعد از غروب آفتاب به انداز و منوترعت و ادا می شود رکعت یا حی شوع بگذرد وقت مغرب تمام می شود (۲) روایت در مالت و شافعی و جمهور اینست وقت مغرب بر شفق آخر به پایان میرسد
- (۳) نزد امام ابو حنیفه وقت مغرب بر شفق اربعین به پایان میرسد در مورد وقت عشاء همان اقوالی که در باره پایان مغرب بیان شد و وجود وقت عشاء در باره پایان وقت عشاء ۴ قول وجود دارد

(۱) طبق روایتی از شافعی و مالک یاگزشت یکسوم شب وقت عشاء خاتم می یابد (۲) قول دوم شافعی و مالک وقت عشاء بعد از نسیب شب به پایان میرسد (۳) نزد امام احمد بنا بر ضرورت سجدیده وقت عشاء تا طلوع غیر اولمه دارد و بدون ضرورت تا یکسوم شب و بعد از آن وقت عشاء شروع می شود (۴) نزد اصناف و جمهور فقها وقت عشاء تا طلوع صبح صادق اولمه دارد و بعد از طلوع صبح صادق وقت قضا شروع می شود =

دوباره ابتدا آن وقت غیر علمای متفق اند که باطلوع صبح صادق شروع می شود امام احمد، مورد انتهای وقت غیر دو مذهب وجود دارد (۱) طبق روایتی از امام شافعی و مالکی بازو نشی شدن قضا وقت غیر به پایان میرسد (۲) نزد اصناف جنابله و جمهور فقها و محدثین و قول دوم شافعی و مالک وقت غیر باطلوع خورشید به پایان میرسد = **افضل ترین وقت غیر** دوباره افضلترین وقت غیر ۴ مذهب وجود دارد (۱) نزد مالک و شافعی اسحاق و او زاعلی دارد و ظاهر ابو جعفر **بشرع** شروع کردن نماز غیر در تاریکی و تمام کردن آن در تاریکی افضل است و یک روایت امام احمد نیز موافق مذهب حضرت است ذکر شده باشد

(۲) نزد امام ابو حنیفه و ابو یوسف و محمد سفیان ثوری - ابراهیم نخعی طائوس بن کسان سعید بن جبیر و حسن بن حرق و فقهای عراق شروع در روشنایی را اخیام در روشنایی افضل می باشد (۳) نزد امام احمد بن حنبل مدار فضیلت بر تشریف جماعت می باشد اگر در تاریکی جماعت بیشتر باشد نماز در تاریکی افضل است و اگر در روشنایی جماعت بیشتر باشد نماز خواندن در روشنایی افضل تر است (۴) نزد امام طحاوی شروع در تاریکی و ختم کردن در روشنایی افضل تر است =

دوباره وقت افضل عصر دو مذهب وجود دارد (۱) نزد شافعی و مالک امام احمد، اسحاق بن عیبه الله به مبارک و او زاعلی در **افضل** راهی

خواندن نماز عصر افضل است (۲) نزد امام ابو حنیفه و صاحبین  
و سفیان ثوری ابراهیم غفری در خواندن نماز عصر تا حد افضل است  
بشرطی که آفتاب زرد نشود =

**باب ابتدای الوضوء** قال محمد هذا حسن والوضوء ثلاثاً ثلاثاً افضل و  
اول ثلثه غزبان قول محمد فرموده هذا حسن این اشاره است به  
حدیث عبد الله بن زید در آن حکم تلبیث <sup>شستن</sup> شستن اعضا و من باشد  
در این مورد روایات مختلف اند در بعضی روایات سه مرتبه شستن و در  
بعضی روایات چهار بار شستن اعضا دارد شده و در بعضی افراد  
را سه بار شده در این مورد بحث وجود دارد که افراد غسل اعضا بدون  
کراهت است یا ایقاعاً کتفاً بر یک بار یا کراهت جایز است و در  
**جامع المصنفات** نقل از امام طحاوی قول اول ذکر شده است

و ظاهر کلام جمهور دلالت بر کراهت دارد بر شستن اعضا را سه  
مرتبه از سنن مؤکده شمرده اند در الباقی جامع المصنفات آمده  
اکتفاً کتفاً بر افراد و شستن یا شستن چهار مرتبه شود و فرق بین استنفا  
استنفاقی رساندن آب به داخل بینی و کشیدن  
آن توسط نفسی به باطن لیکن استنفا را خروج آب از بینی بعد  
از استنفاقی باشد **قول من المصنف علی تری** اکتفاً استنفاً  
جمع بخار رود در آن مقهور در حرارت است و سردی در آن

سردی بخار رود مراد از آن سنن است و اگر در کتاب الطهارة  
بخار رود یعنی استنفاً بالاجمال است **انقاء** نزد همه واجب  
است و ایثار مستحب است اما در مورد تلبیث ایثار اختلافاً است  
(۱) نزد صاحبین حنبلی اسماعیلی و راهب سفیان ثوری ابو الفرج  
ابن حزم ظاهری و سعید بن مسیب تلبیث واجب است و بدون تلبیث  
استنفاً جایز بود (۲) نزد مالکی ابو حنیفه داود ظاهری تلبیث

واجب نیست بلکه مستحب است **حکم استنجاء** ۱ یا استنجاء و سنت است یا واجب ۲ در این مورد فقها اختلاف کرده اند (۱) نزد امام و ابو حنیفه و شافعی و مالک و احمد استنجاء سنت است ایستادن استنجاء را واجب می دانند حتی اگر شخصی بدون استنجاء نماز خواند نزد امام مالک در وقت نماز را اعاده کند ولی امام صاحب خارج از دهان عجز را اعتبار می کند اگر به اندازه در هم بماند اعاده لازم نیست و اگر بیشتر یا سه اعاده لازم است (۲) نزد شافعی و احمد استنجاء واجب است اگر کسی بدون استنجاء یا با صیغری یا آب نماز خوانده نماز ناقصی اعتبار است

**باب الوضوء من مسکن** ۱ یا از مس ذکر وضو گرفتن هندوستان یا حیر؟ در این مورد سه قول وجود دارد (۱) امام شافعی و احمد و حنبلی و اشعری و اوزاعی و عیاض بن ابراهیم از مس ذکر وضو گرفتن لازم است (۲) نزد امام مالکی مناد وضو به سه شرط مشروط است (۱) با تکفیر و تکبیر وضو باطل می شود یا پشت دست وضو باطل می شود (۲) بدون پرده مس بکند وضو می شکند و غیر این صورت نمی شکند (۳) از مس ذکر اصرار لذت کند و اثر احساس لذت نکند وضو باطل نمی شود -

(۴) نزد امام ابو حنیفه سفیان ثوری حسن بصری صیره بن حم ربيع الراي - ابراهیم نخعی صیر بن حمید و غروه مس ذکر مقصد وضو نیست مراد از روایاتی که در آن از مس ذکر وضو ثابت شده وضوء لغوی می باشد نه شرعی (یعنی شستن و شستنی) یعنی این حدیثی که قال لیس فی مس الذکر وضوء **باب الوضوء لما غیره الاثر** چیزی که با آب شستن چغندر و تصفیر کرده در میان علمای از خوردن آن وضو می شکند یا نه اختلاف وجود دارد صحابه کرام در این مورد به دو سه تقسیم شده اند (۱) حضرت ابو موسی اشعری انس بن مالک ابو طلحه زید بن عمار و عمار

# حدیث دلیل ردی عن عائشه مرفوعاً تو مشوا امامست النار

موضوع:

تاریخ:

(۱) حبیب و ابوهریره سهل بن حفله چیزی که به آنس رسیده

و تفسیر کرده قائل به منو بودند (۲) خلفاء اربعه عبدالله

ابو عباس جابر بن عبدالله ام سلمه ابو سعید خدری مهذب بن

نعمان از خوردن مما تفسیر النار به عدم نقص و ضرر قائل بودند

اما این اختلاف در دوران صحابه به امام رسید و بر عدم فساد و ضرر

از خوردن مما غیرت النار اکتفا کردند ولی در ادوار بعد از صحابه

علماء به دو دسته تقسیم شدند (۱) امام احمد اسحاق حسن نصر

عمر بن عبدالعزیز ابی ~~احمد~~ <sup>المنظور</sup> از خوردن مما غیرت النار

و منوط باطل می شود و و منوط گرفتن بر همان مرد واجب است ~~مطلوب~~

(۲) اصناف ماله که شافعی اکثر عقیده و محدثین از خوردن مما غیرت کاذب

النار و منوط باطل می شود و عددهای امام اسحاق و احمد را به گروه

دوم شمرده اند، دلیل عن ابن عباس رضی الله تعالی عنهما که جنب شاة نمی خورم و نمی نوشتم

باب الرجل والمرأة يتوضآن معا و احمد قال محمد بن یونس با ان يتوضآن

امرأة وتفصل مع الرجل — در این مورد علماء اختلاف کرده اند

و به دو گروه تقسیم شده اند (۱) نزد حسن بخاری و سعید بن مسیب

استعمال آب که مرد استعمال کرده بر آن زن جایز و استعمال آب که

زن از آن آب استفاده کرده بر آن مرد جایز است (۲) نزد عامر شعبی

و او زاعم استفاده از آب که مرد از آن غسل کرده یا وضو گرفته بر آن

زن جایز ولی استفاده از آب که زن از آن آب استفاده کرده

و همچنین زن حائضه درست نیست (۳) نزد حضرت ابوهریره و علامه

ابن منظر استفاده از آب که زن از آن آب استفاده کرده و منوط بر آن

مرد جایز نیست مگر این که یا هم شروع کنند — (۴) نزد امام احمد

اسحاق داود قاضی استعمال آب به مانند هم کره از زن در مرد بر آن

و تفسیر <sup>مطلقا</sup> جایز نیست (۵) نزد امام احمد و علامه و همچنین

نهی رسول الله صلعم ان تفصل المرأة بفصل الرجل وتفصل الرجل بفصل المرأة و لیسترا جمعا

موضوع: **تثبیت اغتسل** تاریخ: **از اعنای زن**  
 دلیل: **عن عائشة: اغتسلت انا ورسول الله ثم اتانا راحله**

علمی استیصال آب پس مانده هر یکی از زن و مرد مطلقاً جایز است  
 (جواب جمهور از احادیث) - جمهور روایت کف را جوابهای گوناگونی  
 داده اند (۱) روایت کف نسبت به روایات اباحت ضعیف مستند است  
 از استحصال آب متساقط از اعنای زن است نه غیر کف برای استیصال  
 و اعتصام است نه برای عدم جواز

**باب الوضوء من الرعاف** رفع خون از بینی روا شد بر بعضی خون  
 نیز من کاید قتل بعضی ناقص در اینجا مقهور چرخاندن و خارج کردن خون بوسیله  
 اصحا انقست دست (قولی بحال محمد و بعضی اناخذ) ما مارعاف خان مانده  
 کان لا یأخذ بیدک؛ در مورد اینکه آیا خون و مورا من شکند یا خیر؟ فقها اختلاف  
 کرده اند (۱) چنانچه نزد امام مائک شافعی حسن به حدیث ربيعة الراس  
 سعید بن مسیب امام مکتول سالم بن عبد الله حضرت جابر بن عبد الله  
 ابو هریره خروج خون ناقص و منو نیست، دلیل حضرت مذکور  
 از واقعاتی مانند نلها فی یک مخرج و انفا در شقی و خروج شدن اعضا  
 بحال نماز و ترک نکردن آن و غار خواندن حضرت عمر بعد از اینکه  
 از دست پیروز ملعون مجروح گردید خون از جراحت وی روان بود  
 است لال می گیرند (۲) نزد امام اعظم صاحبین الحدیث جنیل استیصال  
 اوزاعی حسن بن صالح سفیان ثوری حماد ابن عیسیه مطا قتاده  
 محمد بن عمار شعبی اسود علی بن عسرة مشر بن ابی سعید  
 زید بن ثابت ابو موسی اشعری ابو درداء ثقیان (امثله) (عنه) (عنه) (عنه)  
 خروج دم سائل و منو می شکند، (از تذکره) امام مائک بدون از حدیث  
 که خارج از جنیل و دیر یا بد اثر خواب بعد از شود از هیچ چیز دیگر  
 و منورا لازم نمی داند، نه از رعاف و منو و قی که لزوم خارج  
 شود نه از خون صفا اگر از دیر خارج شود

۱) شخص وضو فروج بعد از شرط است و عادتاً از  
دبر مؤثر بیرون نیاید،

اما امام شیخ قمی اثری در رعاف و تمام خون صائم که از حیدر خارج  
شود مانند امام مائید وضو را لازم نمیدانند و لیکن اثر خون از  
سبیلین خارج شود قائل به تحقق وضو هستند. مسدود امام طائوس  
ربیع الرزی ابن عباس عید الله به این ادعا جابجاء هرگز  
و عامی شهر است صحت است و

(قول و یغسل الدم) چون نزد امام مائید از رعاف  
وضو نمی شکنند ایشان می فرمایند اگر شخصی در نماز مبتلا رعاف  
تدریر خون را بسوی و روایات وارده در مورد وضو از رعاف  
را بدینستن خون حمل می نماید، اما علماء عراقی و کسانی که غایب  
به ابطال وضو از رعاف هستند با این تأویل اختلاف کرده اند  
و می گویند وضو وقتی که بصورت مطلق ذکر شود مقید به قید از قبیل  
شستن خون و غیره نمی باشد و وضو در اصطلاح برای نماز مراد گرفته  
می شود، لذا مذاهب ابن عمر و غیره همین است که از رعاف پیش  
که روان باشد و نیز هر خون که از بدن خارج شود وضو می شکنند،  
(قول و یسقی الصلاة) در این مورد، یا کسی که خون دماغ شده  
در نماز، نمازش را بنا نماید یا نمازش را از سر نو بخواند؟ در  
میان علماء اختلاف است. (۱) حضرت علی و عمر ابن عمر و

ابو بکر صدیق و جمهور صحابه و تابعین راعف در نماز تا زمانی  
که حرف نزده می تواند بعد از وضو یا شستن خون نمازش را برکعت  
خوانده شده قبلی بنا نماید (۲) مسور بن مجزه رحن و حسن و غیر  
بنای کسی را که در نماز خون دماغ شده جایز نمی دانند بلکه راعف  
نمازش را استیناف کند، (۳) امام مائید اثر راعف در نماز



قبل از ازداء رقت کاملی مبتلا و این عارضه شد برگردد و بعد از شستن خون از سر نوخ با تبکیر و قرائت غارش را بخواند اما اگر در وسط نماز راضی نماز خوان با این عارضه رو برو شد بعد از شستن خون می تواند غارش را از هر کجا بخواهد بنا نماید، البته در نماز جمع باید به سجده جامع برگردد و نمازش را در همان جا بنا کند (۱) از امام شافعی در این مورد دو قول نقل شده در یک روایت بنا را جایز قرار میدهد و در روایت دیگر منع می کند، امام مالک برای غیر راعف بنا جایز نمی داند و در مورد راعف میگوید اثر سلف اختلاف نمی کردند من عدم بنا نماز را بهتر می دانستم،

(۱) باب الغسل من البول الصبی در این مورد دو مسئله قابل ملاحظه است اول آنکه بچه شیر خوار یا ک یا است یا نجس (۲) در صورت ناپاک بودن بچه در ارش یا ک کرده شود در صورتیکه مسئله اولی دو وجه دارد اول آنکه داد و ظاهر اینهاست شافعی و احمد بن حنبل ادراک بچه را ک و در ار در دختر نجس است (۲) قول دوم شافعی و احمد بن حنبل و منزه امام ابو حنیفه امام مالک همه فقط و محمد بن بول هر دو ناپاک و نجس می باشد در مورد (۳) مسئله دوم در این مسئله وجود دارد (۱) لایق روایتی از مالک و شافعی و نزد احمد بن حنبل و اسحاق بن راهوی این وجه ادراک بچه فقط با نفی یا ک می شود ولی ادراک دختر نیاز به شستن دارد باید شسته شود (۲) قول غیر مشهور امام مالک و شافعی و منزه از اعم اینست که بچه یا ک کردن بچه دختر و بچه را کافر است (۳) امام صاحب سفیان ثوری ابراهیم نخعی حسن بک و محمد بن یحیی برای تطهیر بول بچه و دختر شستن واجب است (۴) زینب

آیا مذي پاک است یا ناپاک؟ در این مورد دو قول منقول است  
 (۱) نزد شیعه مذي پاک است (۲) اکثر اهل بیت و جمهور علماء مذي  
 ناپاک است (۳) مذي را یا چه چیزی می توان پاک کرد؟ (۴)  
 امام احمد با نفي پاک می شود (۵) امام مالک شافعی اسحاق  
 بن راهون یسین مذي لازم است یا نفي پاک نمی شود و همچنین  
 با سنت و خروج پاک نمی شود (۶) امام ابو حنیفه با آب و  
 سنگ و خلخ پاک می شود ~~حکم طهارت مذي همان حکم~~  
~~استیفاء را دارد~~ ~~از خروج مذي چه مقدار رسیده~~  
 شود (۷) امام مالک یسین تمام ذکر واجب است (۸)  
 امام او زاعی و بعضی از حنابلہ و مالک یسین ذکر و هر دو  
 حقیقه واجب است (۹) نزد احناف و شافعیه فقط

یسین موضع قیاس لازم است  
 آیا فی الوضوء لما یسیر منه السیاح و تلغ منه  
 اکثر اختلاف وجود دارد (۱) اکثر اهل بیت و مالک سور سیاح پاک  
 است (۲) احناف سور سیاح نجس است در صورتی که آب کم باشد  
 حنیفه می گویند (عوارب حنیفه از روایت حدیث الباب) حنیفه می گویند  
 منقول حضرت عمر این بود اگر تو ما را چند دهن و چهار درهم می دهی و  
 الا در صورتی که اهللاع از ورود سیاح بر حوض نداشته باشیم  
 و ما مکلف بر استفسار نیستیم زیرا که اصل در آب پاک است  
 پس و هنوز آن آب جایز است - هدف حضرت عمر عزیز این نبود که  
 از ورود سیاح در حوض آب نجس نمی شود و الا از خبر دادن  
 صاحب حوض را منع نمی کرد (۳) چه اندازه باشد پلید می شود  
 (۴) امام شافعی و احمد دو قلین باشد پلید نمی شود کمتر باشد پلید می شود  
 (۵) امام مالک با (۶) امام مالک با (۷) امام مالک با (۸) امام مالک با  
 مکرر در صورتی که تغییر کند نمی از اوصاف سه گانه او (۹) امام مالک با



موضوع: باب الوضوء علی علی و آله  
تاریخ:



در مورد جواز و عدم جواز مسح علی الحنفین در میان ائمه اختلاف  
وجود دارد (۱) شیعه اصحابیه خوارج مطلقاً مسح علی الحنفین  
جایز نیست (۲) طبق روایتی از امام مائت مسح علی الحنفین  
برای مسافر جایز است برای مقیم نا جائز (۳) حنیفه شافعیه حنابل  
جمهور فقها و محدثین و قول دوم امام مائت مسح علی الحنفین برای مقیم  
و مسافر جایز است (۴) از امام مائت در باره مسح علی الحنفین چنین  
قول منقول است (۱) انگار مسح در سفر و حضر (۲) کواصیت  
در حضر و جواز در سفر (۳) اجازه در سفر و حضر  
در این مورد علت در باره اینکه مسح بر ظاهر حنفی است یا باطن  
فقها اختلاف دارند (۱) امام مائت مسح کثرت حنفی یک  
دست راز بر حنفی و دست دوم را بالای آن قرار دهد  
(البته اگر کسی بر مسح ظاهر حنفی اتفاق کرد اگر در وقت یا شرعاً  
مستحب است (۲) امام شافعی مسح بر اسفل خف را کافری غیر از  
آن کسی بر مسح متهت یا لا اتفاق کند او را کفایت می کند البته  
نزد شافعی مسح بر ظاهر و باطن خف مستحب است و همین قول  
از ابن عمر است (۳) حنفیه سفیان ثوری بعد از حنبلی  
داود ظاهر حضرت علی پیش به سعد بن عباد حسن بن علی  
عمروه عطا مسح ظهور حنفین لازم است و بس

مقدار مسح حنفین (در این باره هم اختلاف مسح چه مقدار  
از حنفین کافری است (۱) ابو حنیفه اندازه سه انگشت کفایت  
می کند (۲) امام مائت استصحاب لازم است (۳) شافعی  
هر آنچه بر آن اسم مسح اطلاق شود کفایت (۴) احمد بن حنبل  
الشرح حد کفایت معتبر است



موضوع: ثلث اول نماز خواندیم

۱) یا غسل برادر جمع است یا نماز جمع ؟ (۱) امام حسن بن زیاده  
 امام محمد داود ظاهرین: غسل برای روز جمع مباح است نه برای نماز جمع  
 (۲) جمهور: غسل برای نماز جمع است و ظاهر احادیث هم دلالت بر همین مطلب  
 دارند - دلیل: اذا اتى احدكم الجمعة فليغتسل / (ابن عمر) كان لا يرمي الى الجمعة  
 الا يغتسل (۱) امام مائت  
 اوزاعی: لیست بن سعد غسل یا رختن متعل یا تسد - (۱۲) جمهور  
 مترسانند افعال لازم ضر یا تسد حتی (ترجمه) متعل یا تسد کافراست  
 دلیل: من اغتسل یوم الجمعة بعد لم یلغ الفجر جزء من غسل یوم الجمعة  
 ثلث ۹۵۰ یاب (لیم بالصید) شروع نماز بثلث دو  
 تیمم برای چه کسی جایز است ؟ (۱) امام ابو حنیفه - (۲) امام مالک  
 (۳) شافعی، تیمم در سفر و حضر برای مقیم و مسافر جایز است  
 (۴) زفر ابو یوسف و روایت از امام مالک در حضر به هیچ  
 وجه تیمم جایز نیست : برای تیمم چه ضرب لازم است ؟  
 (۱) امام محمد امام احمد بن حنبل (سحاق) ، امام اوزاعی یک ضرب برای  
 مسج چهاره و دستها کافراست (۲) امام ابو حنیفه شافعی ، ثور  
 اکثر فقها و محدثین دو ضرب لازم است یکی برای مسج صورت و ضرب دوم  
 برای مسج دستها (۳) محمد بن سیرین سه ضرب لازم است یکی  
 برای مسج چهره ، دوم برای دو دست ضرب سوم برای مسج صورت و  
 دستها (۴) برای تیمم دو ضرب وجود دارد که با هر دو ضرب  
 صورت و دستها مسج کرده می شود این قول حسن بن حر (عبد الرحمن  
 بن یزید) نزد بعضی برای تیمم ۴ ضرب لازم است دو ضرب برای  
 دستها دو ضرب برای صورت این قول حاکم بن یزید و این قول  
 اصل و دلیل ندارد

عزیز صاحب

درین در تبع تابعی مع شونز؟ (۱) امام شریعتی ب ~~شونز~~ و  
مقدریسم دستی در تبع تابعی مع کرده شونز (۲) اهر بن  
حیدر اسحاق او زاعی و اود ظاهری دستی تابعی دست  
مع کرده شونز (۳) امام مائک مع دستی تابعی واجب و تا  
ارابع سقوب است (۴) حنیف شافعی حنیف و نور و  
حیدر سقوب و مقدس دستی تا آرای معی شونز،

باب الرجل يعيب من امرأته أو يبشرها وهرجائفن

فَقَالَ لَتَسُدَّ اِزَارُهَا عَلٰى اَسْفَلِهَا ثُمَّ يَبَاسُ رَءَا لَنَ شَاءَ قَالَ مُحَمَّدٌ وَبَعَثَ  
تَاخِرًا - - - - - دَر مَوَدِّ اَيْنَكُمُ اَيَا دَر اَيَامِ قَاعَدَتِي زَنَ مَرْدِ مَر تَوَانَه  
اَز زَنِ اسْتِمَاعِ كُنْدَه اَصْلَافِ و مَجُودِ دَلَرِ (۱) (۲) اَبُو صَفِيَه  
مَالِكِ اَوْزَاعِي شَافِعِي اَبُو يُوْسُفِ سَالِمِ بْنِ عَبْدِ اللهِ، تَمَامِ  
بِعَ مُحَمَّدٍ : مَرْدِ مَر تَوَانَه اَز مَاتُوقِ اِزَارِ اسْتِمَاعِ كُنْدَه ، دَلِيلِ اِلَيْهِ  
حَدِيثِ سَيِّدِهِ عَاسِيَه وَاَمَّ سَلَمَه و مَيْمُونَه مَر يَابَشَه اَنَّهُ كَانَ يَأْمُرُ اَصْرَاهُنَّ  
اَوْ اَكَاثَ كَانَتْ حَاضِرًا اَنْ تَسُدَّ اِلَیْهِ اِزَارُهَا ثُمَّ يَبَاسُ رَءَا

(۲) سفیان ثوری محمد بن حسن (۱۸۰) احمد اسحاق بن راہوی  
سروق ابراہیم غفری داؤد ظاہری فخر بن عباس


بعضی شواهد : مردی مجاز است از اجتماع مادیون العزج ، یعنی آن  
فقط از جای که خون بیرون می آید پیر میزند ، دلیل ایستادن از روی  
حضرت است لذا می بینیم که از اینجا پیر سوال کرد پس پیر فرمود  
اصنعوا قلی شیء ماحلا النفاق و در روایتی ماحلا الجماع آمده است

زند امام طحا و امام اسبق ماکر همین قول ترجیح دارد ،  
از روی دلیل این مسأله ارجح می باشد ،  
قول عن سالم بن عبد الله و سلم بن يسار انهما سئلا عن عائشة -

حکم مقاربت با زن بعد از انقطاع خون قبل از غسل ؟  
(۱) امام مائده ، شافعی ، امام لکبری بدون غسل مقاربت جایز نیست  
(۲) امام صاحب و صاحبین آن خون حیض بعد از آنکه سه روز قطع  
شده است زوج می تواند با آن <sup>مقاربت</sup> کند اگر چه غسل نکرده باشد ، اما آنکه  
قبل از آنکه سه روز خون حیض قطع شده است مقاربت با وی  
جایز نیست تا اینکه غسل کند یا بروی وقت نماز یا بگذرد ،  
(۳) امام طحاوی و مجاهد و عطاء بن ابی رباح بعد از قطع شدن حیض  
پس از دهنو تر رفتن زن مقاربت با وی جایز است

باب اذ التقى الختانان هل يجب الغسل

آیا التقاء و خفایان موجب غسل است یا نه ؟ این مسئله از زمان صحابه  
تا حاله مورد اختلاف است (۱) حضرت عثمان بن عفان ، زبیر بن عوف ،  
ابن مسعود خدری ، ابن ابی بنی ، نفعان بن بشیر ، زید بن خالد جهنی  
جمهور انصار قائل به عدم وجوب غسل از التقاء و خفایان بودند ،  
(۲) صدیق اکبر ، عمر و عبد الله بن عمر ، عایشه ، ابن مسعود ، ابن عباس  
و جمهور مهاجرین قائل به وجوب غسل از التقاء و خفایان بودند

هر چند که اصحاب معاصره در خلافت عمر فاروق بیان یافتند و  
وجوب غسل اتفاق کردند ، اما در زمان  گما باز

هم این اختلاف کما فی السابق یا می تواند چنانچه (۱) که داود  
نما حری، میلان بن عمران (عس)، صدام بن عروه،  
از اتفاق و ختاین عقل واجب نمی شود (۲) اما در جم  
جمهور (علاء)، از اتفاق و ختاین عقل واجب می گردد.

باب الرجل ینام من ینقص ذلک وضوؤه

آیا خواب ناقض وضو می باشد؟ (۱) امام مائک، زهر،  
ربیعۃ الرؤی، اوزاعی، محمد بن یحیی، مضطجع و ساجد و ناقض  
وضو می باشد، وضو جانش وضو را نمی شکند مگر آنکه طولانی باشد  
(۲) ابو حنیفه در کتابش فقط بصورت خوابیده می شود  
وضو فاسد می شود (۳) امام ابو یوسف فرموده اند اگر در سبزه  
قصر خوابیده وضو می شکند و در غیر این صورت وضو فاسد  
نمی شود (۴) سفیان ثوری، حسن بن علی، عطاء بن ابی سلیمان  
ابراهم نخعی، از خواب مضطجع وضو لازم می شود نه غیر آن  
این، (۵) کتب فقهی از هر خواب وضو لازم می گردد مگر کسی  
که بصورت نشسته خوابیده، (۶) از ابو موسی اشعری روایت نقل شده  
که دال بر این مطلب اند خواب هر صورت باشد وضو باطل  
نمی آید،

باب الاستحاضة

زنان مستحاضه در ۴ قسمند ۱- مبتدئه ۲- معتاده ۳- عیبه ۴- محبده  
تصرف مبتدئه؟ زنی است که به همراه بلوغ مبتلا به خون شده یعنی  
از زمان بلوغ حیض آن شروع شده و استمرار یافته است  
معتاده؟ زنیست که قبل از مبتلا شدن به خون است  
عیبه؟



او را خون آمده و در حیض هم عادت مقین داست ،  
تعریف هیزه ؟ زینت که قادر به تمیز خون حیض و استماعه می باشد  
و اساس رنگ یا غلظت و رقت یا به قول دیگر  
تعریف مقیره ؟ زینت که قادر به تمیز دادن خون استماعه نیست و تعداد  
ایامش را هم تم کرده است و همچنین زمانش و تاریکی را  
( مقیره بر سه قسم است )

مقیره با عدد ؟ زینت که تعداد روزهای حیض خود را به یاد ندارد  
که چند روز مبتلا و حیض شده است ،  
مقیره بالزمان ؟ زینت که تاریخ قاعدگی خویش را فراموش کرده  
نیست بلکه در ابتدا و ماه یا وسط یا آخر مبتلا و حیض شده  
مقیره بالزمان و العدد ؟ زینت که تاریخ و ایام حیض خود را نداند هر  
دو را فراموش کرده ، زن مقیره را مثاله هم می گویند ، نامند

## احکام مستحاضه

باید دانست که نزد حنفیه تمیز اعتباری ندارد - نزد شافعی عادت  
اعتبار ندارد بلکه تمیز اعتبار دلرد - شافعی و حنابله ، عادت  
و تمیز هر دو اعتبار دارند لیکن عمل بر تمیز نزد شافعی بهتر است  
و نزد امام احمد علی بر عادت افضل است ،

حکم مبتدئه ؟ مبتدئه بر دو قسم است - مبتدئه تمیزه و غیر تمیزه

زبان مبتدئه که تمیزه دو مذهب وجود دلرد (۱) امام شافعی ، احمد  
مالک مبتدئه تمیزه بر تمیز خود عمل کند ، (۲) حنفیه تمیز اعتبار  
ندارد (۳) حنفیه حیض را روز حیض و بقیه ایام استماعه به شمار  
می آورند ، و بعد از ده روز غسل کند غلظت و رقت را  
نویس



مسئله نه غیر محینه؟ در مورد حکم این سه قول وجود دارد،

(۱) امام مائک اکثر مدت حیض ۱۷ یا ۱۸ - روز حیض و بقیه ایام استیاضه به شمار می روند، (۲) امام شافعی و احمد اکثر ایام حیض و باقی ایام استیاضه می باشند، مقصد از ایام حیض اینست که از اکثر مدت حیض (۱۵) روز ۱۱-۹ یا ۱۰ روز را حیض و بقیه ایام ماه را استیاضه قرار دادند، (۳) قول مفتی به احتیاط ده روز حیض و بقیه را استیاضه می شمارد و یک قول غیر مفتی به وجود دارد و آن اینکه بر اساس عادت مادران و خواهران وی غیر حکم کرده می شود، یعنی اگر عادت مادران وی ده روز و ما بقیه را استیاضه بشمار می برند.

حکم زن مستیاضه معذره؟ بر دو قسم است محینه غیر محینه در مورد محینه سه مذهب است

(۱) امام مائک عادت اعتبار ندارد اگر قادر به تمیز است طبق ان غل نماید و الا اکثر ایام حیض را حیض و باقی ایام استیاضه (۲) حنفیه تمیز بودن اعتبار ندارد، لذا طبق عادت عمل کند ایام عادت را حیض و بقیه ایام استیاضه (۳) شافعی و احمد، چون حکم عادت و تمیز معتبرند، و اگر امام شافعی عمل بر تمیز اولی و نزد امام احمد عمل بر عادت اولی حکم زن مستیاضه معتبره؟ از زمان شروع حیض ۳ روز غایب و در روز راترک کند و بعد از آن هفت روز غایب شود و بعد از آن ۲۰ روز وضو برای هر نماز کند - زیرا در سه روز اول یقیناً مبتلا به خون حیض است، و بعد از آن در هفت روز دیگر چون هر روز احتمال فراغت از حیض را دارد، و بعد از فراغت از حیض غسل واجب می شود لذا ایامی هر نماز غسل کند و ۲۰ روز چون یقیناً ایام حیض نیستند وضو برای هر نماز کند -

متخیره بالزمانه؛ به تعداد ایام قاعدگی خود مثلاً بیست روز ابتدای هر غارز و غیره  
کنند چرا که در این مدت امکان پاک بودن و احتمال دخول در حیض وجود دارد.  
لذا احتیاطاً و ضوابط هر غارز کنند و یا قی ۲۵ روز مثلاً چون احتمال حیض و انقطاع  
هر روز موجود است، و بعد از انقطاع حیض غسل واجب می شود، لذا ۲۵  
روز غسل برای هر غارز کنند.

متخیره بالعدد و الزمانه؛ چون در سه روز اول احتمال پاک بودن  
و حیض موجود است لذا این جهت احتیاطاً و ضوابط برای هر غارز بکنند و ۲۷  
روز دیگر غسل برای هر غارز بکنند، زیرا هر روز احتمال حیض و انقطاع  
مهارت از حیض وجود دارد.

### مسئله

فقال لتنظر الیائی و الایام این روایت ~~مشکوک~~ کسایت  
که می گویند که معتاده طبق عادت خود عمل نماید خواه عیسه یا نه  
یا غیر عیسه عادت در با شخص وی موافق باشد یا نه این مذهب  
امام (ابو حنیفه و روایتی از شافعی و قول مشهور امام احمدی باشد)  
ممکن است از لفظ ایام استنباط نمود که اقل حیض سه روز  
و اکثر آن ما روز زیر اکثرین مدتی که بر آن لفظ ایام مطلق  
نمود سه روز و بیشتر آن ما روز است.

قوله غلبت الصلاة دلالت است بر این که حائض نماز  
را ترک کند ویرا و قضاء لازم نیست بالاجماع برخلافه خوارج،  
لستغفر یا فرقه یا نه یا نه ای عریضی بعد از اینکه منب داخل  
آن گذاشته شود، فرجش را محکم بنزد.

صاحب دین و جوان: عن عائشة كنت اغتسل انا ورسول الله من انا وواحد  
من جنات

موضوع: بایست که المرأة ترن الصفرة والکفارية

خون حیض دارای چند رنگ گشته؟ ۴ رنگ = (۱) حمرة -  
مهرق، کدرة، حقدرة، سواد، تریتة - در این چهار  
رنگ اول ذکر شده الله و از این قول عائشة که من فرماید حتی  
ترین المقدم البیضاء معلوم می شود که بعد بیاض خالص  
است و ما سواد بیاض خالص خون حیض محسوب می آید،  
شرطی که در ایام حیض دیده شود،  
هضم کرده؟ خون حیض است خواه قبل از خون باشد  
یا بعد از آن، البته نزد امام ابو یوسف و شافعی و ابو حنیفه  
خون قیره رنگی که قبل از قرون حیض دیده شود خون حیض  
به شمار نمی آید -

باب الرجل یغتسل امرأته یومئذ سور المرأة

و منود

عن ابن عمر انه قال قال رسول الله یان یغتسل الرجل بفضله المرأة -  
روایات زیادی خلاف این اثر ابن عمر و طبرانی و غیره که بعضی  
در این باب ذکر کرده اند و چون قول صحابه مخالف فعل صحابه  
نبی باشد حدیث مرفوع اصحاب نیز از قول صحابه، به همین دلیل اکثر  
عیال و این روایت ابن عمر را ترفیع و از آن اعراض کرده اند

باب الوضوء بسور المرأة

ما لا یکرر  
و یغسل و یامد

انفا من الطوائف والفقوات این جمله دارای دو توجیه  
دلرد (۱) این میر این راه خدمت گذاران تسبیح دارد (۲) آنرا با  
افراد که بنا بر نیاز دست تقدیم دارند تسبیح داد، در  
مواضعی که در دست و پا داری و خود دارد یا اگر

✦

نیز داران اجر و ثواب می باشد .  
 مراد از طواعت استماعی هستند که بر بنده می تواند می شود و مراد از طواف  
 حیوانانی هستند که با کثرت با انسان ارتباط دارند ، ~~مثلاً~~ سگ ، گاو ،  
 از هر دو قبلی قرار داده اند ، بنا بر کثرت اختلاط آن با انسان  
 حکم پس فوری است ؟ (۱) امام شافعی ، مالک ، احمد ،  
 (۱) ای یوسف ، اوزانی ، ~~عبدالمجید محمد سورگر~~ بیاض  
 (۲) ابوحنیفه ، زفر ، حسن بن زیاد ، سعید بن مسیب ،  
 محمد بن سیرین ، عبدالمطلب بن ابی لیلی ، و قول لقیق (۳) محمد  
 سورگر به بیاض است نه جنس بلکه مکره است ، در صورتی  
 که آن به دیگر وجود دارد استعمال آن درست نیست ،

### باب الاذله والتسویب

تسویب در لغت اعلان بعد از اعلان ،

(۱) تسویب قدیم ۱۲ تسویب حادث -

مراد از قدیم جمله (الصلاة خیر من النوم) است که بعد از

حالا حیالین در اذان فجر بدستور بنی جابر شده است -

مراد از حادث (جدید) الفاظ حیالین را در میان اذان  
 و اتمام گفتن که این بعد از زمان نبوت ایجاد شده است ،

حکم تسویب حادث ؟ (۱) (۲) محمد ابویوسف برای هر نماز

سجده است یعنی بعد از اذان (الصلاة . الصلاة) گفته شود

(۱۲) (۱) محمد ، برای هر نماز مکرر است (۱۳) جمهور برای

نماز فجر بجا می آید و غیر از نماز فجر مکرر نیست

ص ۱۰ عن عبد العزيز بن حكيم قال رأيت ابن عمر يرفع يديه عند الأذان من أول

موضوع: ۵۰ لامع مانع تاريخ: تبصرة لفتح الصلوة

حكيم توثيق قدیم ؟ (۱) عطاء بن ابی رباح ، طائوس ،  
سود بن عزیز ، ابن توثیق مکره (است) ،  
(۲) ائمه اربعه وجمهور : ابن توثیق منون است -

باب المرأة في الصلوة خلف الإمام

باب افتتاح الصلوة

رفع اليدين بغير احرام نزد جمهور مستحب است (۲) اتروا (۴)  
اعزاه (۴) محمد بن ، ابن حزم . دلود ظاهری رفع یدین  
وقت بغير احرام واجب است  
قول و حذوا بلبس : دستها موقع بغير تحریم (فصح) تا بجای بلنه  
کرده شوند (۷) من روايه لزم (۴) لحد به حبل و بعضی مالمه  
رفع اليدين على الخلاق منون است حدیثی نه ارد ،  
(۲) قول جمهور لحد و اکثر مالمه و بعضی اشیاء که وقت بغير تحریم  
دستها تا شانه برداشته شوند و همین منون است ،  
(۳) اصحاب ، ثورن ، ابواهم حنفی ، و صاحب من فریاده وقت  
بغير تحریم دستها را تا برای ترسها بلنه کنه ،  
قول مع قال سمع الله من حمده - ثم قال ربنا لك الحمد ،  
یا انم سمیع و محمد یقریه یا فقط به سمیع آلتفا بکنه ؟  
(۱) امام طافی ، ابو یوسف ، محمد ، امام هم سمیع و هم  
محمد تلوین (۲) و عده لها دتیرم تحریر (۴) امام فقط بی سمیع

التفاتی که گفتن تحید وظیفه مقدس است -

۵ یا در غیر تبصره رفع الیه به مشروع است

(۱) عبدالله بن عمر بن الخطاب، ابو هریره، ابن عباس، عبدالله بن زبیر

وقت تبصره رکوع و سجود رفع الیه به لازم است

(۲) امام شافعی علاوه از مورد یاد شده در وقت تمام از قعدہ

نیز رفع الیه به لازم می باشد

(۳) خلفاء راشدین، عترت پیغمبر، عبدالله ابن مسعود،

ابو حنیفه، ابراهیم حنکلی، سفیان، ابدا بن یحیی، عاصم

و اکثر فقهاء و علماء از تبصره تحید رفع الیه به در هیچ جای لاغایز

جائی نیست عن عاصم بن مطلق الجری عن ابیه قال رايت علی بن ابی طالب رفع

یده فی التبصره الاولی من الصلوة المکتوبه ولم یفعلها فیهما سوا ذلک

باب القراءه فی الصلوة خلف الامام

در این مورد چهار مذهب نقل شد -

(۱) امام مالک قراءه خلف الامام در نمازها سترى مستحب

و در نمازهای جهری بیاح و فی روایه منکوه است

(۲) امام بن حنبل سترای خلف الامام در نمازهای سترى مستحب

و در جهری منکوه تحریمی است

(۳) امام شافعی، داود طلمی، ابی یوسف، ابی حنیفه، ابن

سبارک، در نمازهای سترى و جهری قراءه خلف الامام

واجب است

(۴) امام ابو حنیفه، سفیان ثوری، ابراهیم حنکلی، عاصم

صلی بن صالح، عبد الرحمن بن ابی یحیی، عبد الرحمن

موضوع: موطا امام محمد تاریخ: فار قرادۃ الامام محمد

والمعقب ما نرى، وجهه رعاى، قرادۃ خلف الامام جازى شىء  
نه سورة مائة نه غير ان كان، قال رسول الله عليه وسلم من صلى خلف الامام

باب آهين من الصلاة = ۵۵  
قول (اذا ابن الامام)

۱ یا امام ابن بکویه یا خیر؟ (۱) امام مائت احسن  
نقط مقتدی بکویه نه امام این قول مصرعین هر است از امام  
مائت (۲) جمهور: (۱) و مقتدی هر دو آهین بکویه  
همین است مذکور شافعی، یحیی، یحیی، اعجازی، دلود ظاهراً  
و صاحبین، روایات از امام ابو حنیفه مختلف اند، امام  
محمد می فرماید قاضی ابو حنیفه فقال یومن من خلف الامام در در تار  
الآن را از ابو حنیفه روایت کرده عن ابی حنیفه عن یحیی عن ابی  
قال اربع غافقت بهن الامام، یحیی، النعم، والبقوذ، -  
و بسم الله و آهین، پس می فرماید به تاخذ و هو قول ابی حنیفه

عوله ولا یحرمون بذكر...

۲ میں سراً گفتہ شود یا جہراً؟ (۱) اصناف قول  
جہر یہ شافعی و روایتی از امام مائت میں سراً گفتہ شود  
(۲) نزد شافعی، امام ابن حنبل، عطاء، دلود ظاهراً، عن یحیی  
عن مائت میں جہراً گفتہ شود،



حکم کلام در نماز؟ آیا کلام مقصد نماز یا حنیف است؟

(۱) اوزاعی، کلام اگر چه تمهید باشد و نماز خوان این علم را داند که داخل نماز است و هدفش از کلام اصلاح نماز صحت ولی به مقتضای غایت اشائی کلام کنه نمازش فاسد نمی شود، ولی علی و دیگر متفوقان کلام گسی که قصد اسمی بقویه و کلامی برای اصلاح نماز نباشد مقصد نماز محاسبه، اما اکثر کلام به همان تمام شدن نماز باشد و یا به قصد اصلاح نماز است در باره آن علی و اختلاف کرده اند و به سه قسم تقسیم شده اند،

(۱) فاتک، ربيعة الراي، اسماعیل بن اسحاق، کلام عمدتاً باشد یا سجوا نماز فاسد نمی شود،

(۲) شافعی، و بعضی از اصحاب مانع می نمایند اگر مصطلح سجوا کلام کند و به همان تمام شدن نماز کلام کند نماز وی فاسد نمی شود و اگر می داند که نمازش تمام نشده است کلام او مقصد نماز است، اگر چه به قصد اصلاح نماز باشد.

(۳) (احل کوفه، امام ابوحنیفه و شافعیان، سفیان ثوری، می نمایند کلام در هر حال مقصد نماز است مقصد ایا باشد یا سجوا به قصد اصلاح نماز باشد، یا نباشد،

دو دلیلی دوتکروه اول حدیث ذواله بن است و جواب آن نزد تکروه سوم است که این مخصوص بیا بر بوده است ولی دلیل اخقاص وجود ندارد لکن آنچه ان قوی است

این جریان سال زمانست که کلام مباح بوده

یا بالسجود في الصلاة

سجود یا سجد یا سجد قبل از سلام است یا بعد از آن

ابن عباس، ابن زبیر، حسن بصری، ابراهیم نخعی، ابن  
ابن بکر، حسن بن صالح، امام ابوحنیفه و شاگردانش سیده  
سمو در صورت بعد از سلام است،

(۲) ابو صریحه، معاویه، مکیول، امام زهری، ربیع الراضی،  
اوزاعی، لیث، شافعی و شاگردانش سیده سمو، هر حال  
قبل از سلام است

(۳) مات و عده ای از اهل حجاز اگر سمو بنا بر زیادتی باشد  
سیده آن قبل از سلام و اگر بنا بر نقصان باشد سیده آن بعد از  
سلام می باشد،

امام لکھنوی می نمایند اضافهً احادیث قبل و بعد تسلیم قول  
و فعل واجب هستند تقدیم  
لذا هر دو صورت جایز  
است که اینک ابواب ابوحنیفه تصریح آرد کسی قبل از سلام سیده کند  
(مشکلی ندارد)

چهارم  
آرد کسی در نمازش دچار شک شده و ندانست چند رکعت خوانده

(۱) اختلاف ها بطوریکه امام محمد نوشته اند اگر شک بر او  
اولین بار پیش آمده نماز را سر نوع بخواند و آخر بارها بطلان  
شده بر طبق غایب خود عمل کند،

(۲) شافعی، مات، ثوری، اوزاعی، طبری، بر یقین عمل کند  
عمری اعتبار ندارد،

باب احوال من فی المملوۃ

در قعده اولی و اخیر کیفیت مسنون جلوس ؟

۳ مذهب

(۱) عبد الرحمن بن قاسم ، قاسم بن محمد ، یحییٰ ابن سعید ، در هر دو قعده و حلیه بین سجده تن تورات مسنون است ، یعنی پای راست را بلند نموده و پای چپ را پهن و بر روی زمین بنشیند ،

(۲) امام شافعی ، یحییٰ بن حبیل ، اسیق بن راهویه ، در قعده اخیر تن تورات مسنون است ولی در قعده اول و حلیه بین سجده تن افتراست افضل است

(۳) حنفیه ، سفیان ثوری ، ابراهیم نخعی ، ابن مبارک ، در تمام موارد مذکور افتراش مسنون است ،

نکته ، امام محمد مذهب امام مالک را افضل مذهب شافعی ذکر کرده است (در حلیه آینه امام محمد در مورد مالک تفت در حلیه است مالکیه نیامده ولی بهر حال امام محمد ۵ گاه میفرماید است

انه كان يترجم في الصلاة ، ترجم به دو معنا مستعمل شده ، یکی اینکه پای راست را زیر زانوی چپ و پای چپ را زیر زانوی راست بگذارد . . . (۴) هر دو پا را به یک طرف معطوف کنند پس پای راست زیر ساق و پای راست را هم گنه بطوری که پای راست نزدیک مقعد واقع شود ،

همه اعتقاد در نماز ؟

اعتقاد دو معنا دارد ، (۱) ایستادن و ویدن را بر روی زمین بنشیندن

و پاها را این اعتقاد حلیه است و حرکات



۱۲) <sup>الشیخ</sup> محمد بن ابی بکر راضی الله عنه را برپا نشاندند و هاتوا ارجاءه

- (۱) ~~ابن~~ ائمه اربعه ، عماده ، اعتقاد صورت دوم در غایت  
سوءنیت بیکی ها نظیر که در قعدتین می نشستند بنشیند ،  
(۲) علی ، طاووس ، عبادله ، (ابن عباس) ، (ابن مسعود) ، (ابن عمر) کن  
راجازی می دانستند ، ابن ملجم ،

باب صلوة القاعد

ارولن صلوة القاعد ففصلوا عهوداً اجمین

در مورد اینکه اگر امام بنیاد عذر یا بیماری نیست نماز بخواند اما  
مقتدی ها هم از امام پیروی کنند یا خیر ؟ در میان علما اختلاف است

(۱) عده ای می گویند مقتدی ها نیز در پیروی امام نیستند نماز بخوانند  
است مذهب ابو هریره از حدیث بن حنبل ، اسحاق بن راهویج و دیگران  
اهل حدیث ،

(۲) و تلک جمیعور علیا است که متابعت امام در قعود درست نیست  
و روایات های که در این مورد آمده اند را مشوخی قرار می دهند ، چنانچه  
بی کریم در فرغ در مرصی وفات نشسته نماز خوانده ولی اهل بیت  
سرش ایستاده نماز خوانده اند ،

## موضوع: باب صلوة اللیل

قوله فیصل ركعة واحدة تؤزل ما قد صلى - این حدیث دلیل شاخص  
است که هر یک ركعت است، «عن سعد بن ابی وقاص عن ابي عبد الله (ع) ان یؤتی بركعة  
للمسلم ای ثلاثه اصناف و تربیع یک ركعت جایز نیست و روایت باب را  
دو جواب داده شده است -

(۱) این حدیث مربوط به زمانی که حکم و کتاب نبوده  
(۲) معنای حدیث اینست که هرگاه خطره صبح وجود داشته باشد  
همراه با دو ركعت دیگری که قبلاً میخواند ركعت دیگری اضافه کند،  
قوله ان رسول الله كان یصلی باللیل احدى ركعات، یؤتی بركعة واحدة و اذا  
فرغ منها - - -

امام شافعی با استناد به این گونه احادیث قائل به استیفاء  
اضطیاع است مفرماید بین سنت فحری و فروع اضطیاع راحتی  
الامکان ترک کنند و این حزم اضطیاع را بین سنت و واجب قرار داده  
است اگر کسی ترک کرد مفرضه او ادا نخواهد شد

## باب احدى من الصلوة

ان رسول الله علیه و سلم یؤتی بركعة من الصلوة ثم اشار الیهیم بیده - - -

## باب الجمع بین الصلاتین

در باره حوازی جمع در عرف و مزدلفه همه اجماع اتفاق دارند اما  
بغیر از این دو وجه بین صلاتین ائمّه کرام اختلاف نظر دارند،  
(۱) سقیة ثوری، امام شافعی، احمد بن حنبل، (سقیة بن راهوی  
جمع بین صلاتین علی الاطلاق جایز است در حالت سیر یا نشسته یا نه  
(۲) جمع بین صلاتین علی الاطلاق جایز نیست



- (۱) ابو حنیفہ، ابو اصم غفی، مہاجیرین و ایست و روایت مع راہ  
 مع صورتی حل می کنند نہ مع حقیقی،  
 (۲) لیت بن سعد، قول مشہور مالک، 'جو از جمع بین  
 صلا تین بران کسی جایز است کہ در سیر علیہ داشتہ باشد  
 (۳) ابن جیب مائقی، جو از بران کسی است کہ در حال سیر  
 نہ بران نازل،  
 (۴) امام اوزاعی این حکم مربوط بہ کسی است کہ عذر در  
 باشد،  
 (۵) جمع تا خیر جایز است نہ تحریم و این روایتی از امام مالک  
 و احمد و ابن حزم است،

تمت بالخیر

استاذ: مولانا محمد ~~محمد~~ عبدالحق قدری

گلاس خامسہ

جامعۃ الحسن الشافعیہ جبارہ